

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نردوی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۴-۹۳

جلسه ششم - یکشنبه ۹۳/۷/۶

راه دوم در تصحیح وضوی ضرری: ترتب

همان‌گونه که در تزامن اهمی با صلاة اگر کسی اهم را ترک کند و مشغول نماز شود با امر ترتبی نماز او تصحیح می‌شود، در ما نحن فیه نیز می‌توان گفت وظیفه‌ی مکلف هنگام ضرری بودن وضو، تیمم است ولی اگر مکلف، تیمم را ترک کرد به امر ترتبی باید طهارة مائیه بیاورد.

مرحوم نائینی می‌فرمایند این راه نیز درست نیست؛ زیرا ترتب مربوط به جایی است که قدرت شرعاً در فعلیت تکلیف اخذ نشده باشد، اما اگر در دو واجب، قدرت شرط شرعی باشد جای جریان ترتب نخواهد بود و در ما نحن فیه قدرت در وجوب وضو شرط شرعی است.

راه سوم تصحیح وضوی ضرری

ممکن است کسی مدعی شود که اساساً وجوب تیمم در واقع رخصت است نه عزیمت؛ بدین معنا که خداوند متعال در این شرایط اجازه داده است مکلفین با تیمم نماز بخوانند، اما الزامی در این زمینه نفرموده است، در نتیجه با ضرری بودن وضو می‌توان تیمم کرد؛ نه اینکه تیمم واجب باشد.

مرحوم نائینی این راه را نیز صحیح نمی‌داند؛ زیرا لسان لاضرر لسان حکومت است و حکومت در قوه‌ی تخصیص است و کأنّ شارع فرموده است: «توضاً إلا اذا كان هذا الحكم ضرریاً» و این حکم یک استثناء خواهد بود. در نتیجه نسبت به وضوی ضرری امری وجود ندارد و از وجوب خارج شده است، بنابراین نمی‌تواند به معنای رخصت باشد؛ زیرا امر تنها به تیمم و وضوی غیر ضرری وجود دارد.

راه چهارم در تصحیح وضوی ضرری

ممکن است کسی مدعی شود که با لاضرر لزوم توضع برداشته می شود اما جواز برداشته نمی شود؛ یعنی در حقیقت وجوب از دو چیز تشکیل شده است:

۱. تجویز انجام وضو، ۲. الزام وضو.

آنچه که ضرر دارد الزام وضو است، ولی تجویز وضو که ضرری ندارد. لذا مکلف مختار است و می تواند وضو بگیرد یا تیمم انجام دهد. بنابراین لاضرر فقط الزام را برمی دارد و مکلف علی رغم ضرری بودن وضو دارای جواز وضو می باشد و وضویش صحیح است.

جناب محقق نائینی رحمته الله می فرمایند: این راه نیز اشتباه است؛ به دلیل آنکه تکالیف در یک تحلیل عقلی ذهنی به جواز و لزوم منحل می شوند و گرنه به حسب واقع و نیز تلقی عرف و موضوع احکام بودن، وجوب یک امر بسیط است و جوازی که در ضمن الزام وجود دارد وجودی جدای از الزام ندارد و تنها با تحلیل عقلی از الزام جدا می شود و لذا امر وجوب، دایره بین وجود و عدم است و قابل تجزیه نیست و اعتبار وجوب، هرگز ترکیبی از جواز و الزام نیست.

نتیجه آنکه راهی برای تصحیح وضوی ضرری وجود ندارد.

محقق نائینی رحمته الله در ادامه می فرمایند: دلیل بررسی تفصیلی این مسأله آن است که بعض اعظام در مسأله ای نظیر این، تصریح به صحت وضو کرده اند. اگر کسی وضوی حرجی بگیرد به تصریح بعضی اعظام^۲ آن وضو درست است، در حالی که قضیه ی وضوی حرجی و وضوی ضرری یکسان است و اگر وضوی حرجی صحیح باشد وضوی ضرری نیز صحیح است. لذا به تفصیل بیان کردیم که وضوی ضرری صحیح نیست و راهی برای تصحیح آن وجود ندارد، در نتیجه مسأله ی وضوی حرجی هم این گونه خواهد

۱. منیة الطالب فی حاشیة المکاسب، ج ۲، رسالۃ قاعدة لا ضرر (تقریرات خوانساری)، ص ۲۱۶:

و لو لا توهم بعض الأعظام أنه لو تحمل المشقة و توضعاً أو اغتسل حرجياً لصح وضوؤه و غسله لورود نفی الحرج فی مقام الامتنان فلا یكون الانتقال إلى التیمم عزیمة لما كان البحث عن صحة الوضوء فی مورد الضرر مجال و لكننا تعرضنا لذلك لرفع هذا التوهم و أنه لا فرق بین نفی الحرج و نفی الضرر فإن کلاً منهما حاکمان علی أدلة الأحکام و لا فرق بین الحکومة و التخصیص و کون الامتنان حکمة أو علة لا یقتضی صحة الوضوء أو الغسل إذا كان حرجياً أو ضرریاً.

۲. العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۱، ص ۴۷۳:

... و أما إذا لم یکن استعمال الماء مضراً بل كان موجبا للحرج و المشقة كتحمل ألم البرد أو الشین مثلاً فلا یبعد الصحة و إن كان یجوز

معه التیمم لأن نفی الحرج من باب الرخصة لا العزيمة و لكن الأحوط ترک الاستعمال و عدم الاكتفاء به علی فرضه فیتیمم أیضاً.

بود و مبدا کسی تحت تأثیر فتوای بعض اعظام قرار گیرد و این وضو را صحیح بداند.

نقد و بررسی فرمایشات محقق نائینی رحمته الله در تنبیه سوم (جریان لاضرر در وضو و صوم)

از آنجا که بررسی تک تک فرمایشات محقق نائینی رحمته الله نیاز به فرصت و زمان بیشتری دارد و از سویی نیازی به بررسی مستوعب نیست، لذا اهم مطالب ایشان را بررسی خواهیم کرد.

مطلب اول

مرحوم نائینی در توجیه فتوای مشهور به گونه‌ای سخن گفتند که گویا تنها دلیل بر عدم وجوب صوم و وضوی ضرری، قاعده‌ی لاضرر است و در نتیجه در صدد تطبیق قاعده‌ی لاضرر با فتوای شیخ رحمته الله و مشهور برآمدند و فرمایشات مفصلی ذکر کردند، در حالی که همان‌گونه که فی‌الجمله خود ایشان تذکر دادند و امر واضحی نیز هست، ما نمی‌توانیم بگوییم که مشهور با اتکال به قاعده‌ی لاضرر این فتاوی را ذکر کرده‌اند تا بخواهیم لاضرر را علی‌رغم ظاهرش (ضرر واقعی) توجیه نماییم، بلکه اصلاً آیه‌ی شریفه به ضمیمه‌ی برخی روایات وضو، نسبت به کسی که تمکن از آب ندارد بیان می‌کند که وظیفه‌اش تیمم است نه وضو، لذا وضو با اعتقاد بر ضرری بودن آن هیچ وجوبی ندارد تا با لاضرر برداشته شود، بلکه از اول اطلاقی در دلیل وجوب وضو وجود ندارد تا مرحوم نائینی دچار مشکل شود که چگونه لاضرر ضرر اعتقادی را برمی‌دارد نه ضرر واقعی را. بنابراین باید گفت از ابتدا وجوب وضو شامل کسی که اعتقاد به ضرری بودن وضو دارد نمی‌شود؛ زیرا این فرد متمکن از استعمال آب نیست.

حتی با غمض عین از دلالت آیه‌ی مبارکه، از روایات خاصه‌ی باب وضو و غسل و صوم استفاده می‌شود کسی که از وضو و غسل و صوم متضرر می‌شود بر او وضو و غسل و صوم واجب نیست، لهذا حتی اگر لاضرر وجود نداشت باز وضوی ضرری وجوبی نداشت. حتی از روایات خاصه به دست می‌آید کسی که خوف ضرر دارد وظیفه‌اش از وضو به تیمم منتقل می‌شود و اعتقاد به ضرر نیز لازم نیست و معلوم است که خوف همیشه همراه ضرر واقعی نیست. بنابراین معلوم نیست که اصحاب در این فتوا به لاضرر تمسک کرده باشند تا مرحوم نائینی برای توجیه این فتوا و لاضرر دچار مشکل شود.

برخی از این روایات عبارتند از:

صحیح‌های بزنی

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَ

مُوسَى بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنِ الرَّضَاءِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّجُلِ نُصِيبُهُ
الْجَنَابَةَ وَبِهِ قُرُوحٌ أَوْ جُرُوحٌ أَوْ يَكُونُ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ الْبَرْدَ فَقَالَ لَا يَغْتَسِلُ يَتِيمًا^١.

در این روایت معلوم می‌شود که موضوع وجوب تیمم و عدم وجوب وضو، خوف است و چه بسا فقها یا برخی از آنان خوف را طریق ندانسته‌اند بلکه موضوعیت آن را به دست آورده‌اند. اما اینکه خوف در تمام وقت باشد یا بعض وقت، مسأله‌ی دیگری است.

صحیح‌هی داود رقی

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيِّ
قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكُونُ فِي السَّفَرِ فَتَحْضُرُ الصَّلَاةَ وَلَيْسَ مَعِيَ مَاءٌ وَيُقَالُ إِنَّ الْمَاءَ
قَرِيبٌ مِنَّا فَأَطْلُبُ الْمَاءَ وَأَنَا فِي وَقْتٍ يَمِينًا وَشِمَالًا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَطْلُبِ الْمَاءَ وَلَكِنْ تَيْمِّمْ فَإِنِّي
أَخَافُ عَلَيْكَ التَّخَلُّفَ عَنْ أَصْحَابِكَ فَتَضَلَّ وَيَأْكُلُكَ السَّبْعُ^٣.

حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: می‌ترسم اگر دنبال آب بروی از رفقاییت عقب بمانی و راه را گم کنی و درنده‌ای تو را بخورد. روشن است که این احتمال قطعی نیست؛ چه بسا راه را گم نکند، ولی همین مقدار که خوف وجود دارد حضرت عَلَيْهِ السَّلَامُ دستور به تیمم دادند.

روایت دیگری نیز بیان می‌کند:

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ
عُثْمَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ لَا يَكُونُ مَعَهُ مَاءٌ وَالْمَاءُ عَنْ
يَمِينِ الطَّرِيقِ وَيَسَارِهِ غُلُوتَيْنِ أَوْ نَحْوَ ذَلِكَ قَالَ لَا أَمْرُهُ أَنْ يُغَرَّرَ بِنَفْسِهِ فَيَعْرِضَ لَهُ لِصٍّ أَوْ سَبْعٍ^٤.

١. وسائل الشیعة، ج ٣، کتاب الطهارة، ابواب التیمم، باب ٥، ح ٧، ص ٣٤٧.

٢. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ٥، ص ١٠٢:

السبب الثالث الخوف على النفس أو المال إن وصل إلى الماء من اللص أو القتل أو الجرح أو الأذية التي لا تحتل عادة من غير خلاف أجده، بل حكى الإجماع عليه على لسان جماعة مع اختلاف معقده، ففي الغنبة عليه من العدو، و في صريح المعتمر أو ظاهره عليه أو على أهله أو ماله من اللص أو السبع، و في المنتهى على نفسه أو ماله من السبع أو العدو أو الحريف أو التخلف عن الزفقة و ما أشبهه، ثم قال لا نعرف فيه خلافا، و في كشف اللثام شارحا لعبارة القواعد الخوف من تحصيله أو استعماله على النفس أو المال و لو لغيره مع الاحترام من لص أو سبع بالإجماع و النصوص، نحو «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» إلى آخره و في المدارك فی شرح عبارة المصنف إلى قوله أو ضياع مال هذا الحكم مجمع عليه بين الأصحاب على ما نقله جماعة الى غير ذلك كما لا يخفى على المتتبع.

٣. وسائل الشیعة، ج ٣، کتاب الطهارة، ابواب التیمم، باب ٢، ح ١، ص ٣٤٢.

٤. همان، ح ٢.

حضرت علیه السلام می فرمایند: او را امر نمی کنم تا خودش را در معرض خطر قرار دهد و به تنهایی به دنبال آب برود و دزد یا درنده‌ای به او حمله کند. این احتمالات قطعی نیست، لذا معلوم می شود صرف خوف کافی است.

آیه‌ی شریفه نیز می فرماید: ﴿فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً﴾ یعنی اگر متمکن از آب نبودند (تکویناً یا شرعاً) وظیفه به تیمم تبدیل می شود و دلیلی بر طریقت خوف وجود ندارد؛ زیرا روشن است در خیلی موارد که خوف وجود دارد فی الواقع خطری نیست و تنها خوف خطر وجود دارد، لذا کشف می شود «خوف» موضوع وجوب تیمم است.

مطلب دوم

مرحوم نائینی تلاش فراوانی کردند تا بیان نمایند اگر در جایی اعتقاد ضرر بود ولی ضرر واقعی نبود، نماز صحیح است. حال آنکه صحت نماز طبق قاعده است و نیاز به چنین فرمایشاتی وجود ندارد. هر چند اصل سخنان ایشان درست است، اما با تمسک به آیه و روایات خاصه کافی است که ما بتوانیم حکم کنیم کسی که علم به ضرر دارد وظیفه‌ی او وضو نیست و باید تیمم کند و اگر کشف خلاف بشود نیز لطمه‌ای به صحت نمی زند.

مطلب سوم

اینکه فرمودند اگر کسی با علم به ضرری بودن وضو، وضوی ضرری بگیرد نماز او باطل است و قول بعض اعظام به صحت وضوی این فرد قابل تصحیح نیست، در واقع این کلام علی اطلاقه پذیرفتنی نیست و در بعضی موارد می توان وضوی ضرری را تصحیح کرد، هر چند در بعض موارد نیز می پذیریم وضوی ضرری صحیح نیست.

توضیح مطلب: ضرر دو قسم است:

۱. ضرری که ایراد آن بر نفس حرام است؛
 ۲. ضرری که ایراد آن بر نفس حرام نیست.
- ضرری که ایراد آن بر نفس حرام است مانند اینکه مثلاً کسی بعضی اعضای خود مانند چشم، قلب، کلیه یا ... خود را خراب کند. این موارد به دلیل لفظی^۱ یا لبی محکوم به حرمت است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۴، کتاب الاطعمة و الاشربة، ابواب الاطعمة المحرمة، باب ۱، ح ۱، ص ۹۹:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

اما ضررهایی وجود دارد که حرام نیست. هرچند مشهور در لسان عامه‌ی مردم آن است که هر چه به بدن ضرر برساند حرام است، بلکه در کلمات بعضی قدمای از فقها - علی ما ببالی - مانند صاحب شرایع این‌گونه است، اما با رجوع و تتبع در ادله‌ی معتبر نمی‌توانیم چنین کبرای کلی را به دست آوریم.

فرض کنید کسی در هوای سرد با لباس کم بیرون می‌رود و دچار سرما خوردگی می‌شود، آیا کار حرامی انجام داده است؟ یا فلان عمل منجر به زخمی شدن پوست بدن می‌شود، آیا حرام است؟ لاسیما اگر غرض عقلایی بر این امور مترتب باشد.

اینکه فرموده‌اند هر چه به بدن ضرر برساند حرام است، فاقد دلیل معتبر است. آری، ضررهایی که موجب نقصان و جنایت بر نفس می‌شود حرام است.

بنابراین می‌توان گفت وضوی ضرری دو قسم است:

۱. وضویی که ضرری از نوع اول دارد؛ مثلاً شخصی دچار آبله شده است و با استعمال آب چه بسا چشم و بینایی خود را از دست بدهد. در این صورت اگر وضو بگیرد یا غسل کند چون مصداق حرام است و با حرام که مبعوض شارع است نمی‌توان تقرب حاصل کرد، وضوی این فرد یا غسل او صحیح نخواهد بود. در این حالت حتی اگر لاضرر نبود و ادله‌ی خاصی عدم وجوب وضو به تنهایی وجود داشت، کافی بود که بگوییم این وضو باطل است؛ زیرا هم مبعوض است و هم فاقد امر است.

۲. وضویی که ضرر آن از قسم دوم ضرر است و حرام نیست. در این حالت به نظر ما وجوب وضو برداشته می‌شود؛ هم با ادله‌ی خاصه و هم ادله‌ی لاضرر، اما با این حال اگر کسی در این حالت وضو بگیرد راه تصحیح برای وضوی او وجود دارد.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالمهدی

عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَخْبِرْنِي جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَحَلَّ لَهُمْ مَا سِوَاهُ مِنْ رَغَبَةٍ مِنْهُ فِيمَا (حَرَّمَ عَلَيْهِمْ) وَ لَا زُهْدٍ فِيمَا (أَحَلَّ لَهُمْ) وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ (فَعَلِمَ) مَا تَقُومُ بِهِ أَيْدَانُهُمْ وَ مَا يُصْلِحُهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَ أَبَاحَهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِهِ لِمُصْلِحَتِهِمْ وَ عَلِمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَنَهَاَهُمْ عَنْهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِمْ ...